



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۱۵ جولای ۲۰۲۴

نجیب سخی

نظریه موسیقیائی

قسمت ششم

مقام ها منبع و منشأ تهات های موسیقی نیم قاره هند هستند :

بعد از ورود اسلام در هند، و مخصوصاً پس از هجوم چنگیزی ها به خراسان، قسمت عمده از دانشمندان و اهل تفکر به ممالک و مناطق همجوار پراکنده گردیدند، که داشته های علمی، ادبی و فرهنگی سرزمین اصلی خود را با خویش حمل نمودند. تقریباً تمامی آثار ابن سینا و صفی الدین، بطور مستند بین لاهور و دهلی نشر میشده . (۱)؛ بر علاوه آثار ارزشمندی بزبان پارسی دری در تحلیل عنعنات هندی ها و در وفق دادن این رسوم با گنجینه های علم و هنر اسلامی تحریر نموده اند، که میتوان از نوشته های چون تحفته الهند، اعجاز خسروی، آئین اکبری، شاه جهاننامه، مراقع دهلی و کتاب بزرگ یحیی کابلی در مورد موسیقی؛ همه ازین واقعیت صحبت دارند؛ آنچه را ما امروز بنام موسیقی نیم قاره هند میشناسیم، در حقیقت با متن اصلی یا آنچه در شروع بوده تفاوت ماهوی دارد؛ زیرا تحولات تاریخی در تغیر و تکمیل موسیقی این منطقه نقش بزرگی داشته .

موسیقی این سرزمین سروده های مذهبی بوده، که آریائی ها با خود آورده بودند، بعداً به وضعیت مقدس بوسیله روحانیون در معابد حفظ میگردد، که با گذشت زمان از دسترس عامه و صحنه عمل بدور مانده، و به یک نوع ادبیات یا اصطلاحات ادبی مذهبی در زبان سانسیکریت تبدیل شده بود؛ لهجات سکندر شاهی، نوشته یحیی کابلی، تقریباً ترجمه تحت اللفظی روایات موسیقی قدیم هند از سانسیکریت بزبان دری است؛ از ملاحظه و مطالعه این کتاب چنین نتیجه حاصل میگردد، که تمام اصول و قوانین مطرح شده در آن ، افسانوی و ذهنی بوده و از حدود هر نوع عمل موسیقیائی بدور است؛ حتی یک عددی که به یک نغمه موسیقی عیناً ربط داشته باشد از سر تا آخر این کتاب سراغ نمیتوان کرد. (۲)

اخيراً در حدود سالهای ۱۹۶۰ م موسیقی شناس فرانسوی « الن دانیلو » سالهای متمادی را در آموزش آثار و نوشته های زبان سانسیگرت و موسیقی در هند سپری کرده ، که وی درین مورد چندین کتاب نوشته است.؛ کتاب موسیقی هند شمالی الن دانیلو ، کاملاً مربوط به موضوع ما میگردد. او در مورد تاریخ موسیقی هند چنین میگوید « تاریخ موسیقی هند از قرن پنجم ق.م تا آخر قرن پانزدهم میلادی عبارتست از تنوری و تنوریسین ها، نام موسیقی دانه‌ها زیاده‌تر از مجسمه سازان و مهندسین معابد در متون قرون اوسطی بچشم نمیخورد؛ اما بعد از تسلط مسلمانها این تنوری ها در درجه دوم قرار میگیرد، و تاریخ نام بزرگترین موسیقی دانه‌ها و موسسین سلسله ها و مکاتب موسیقی را بما نشان میدهد، که رسوم شان تا امروز در موسیقی جاری است .» (۳)

بعد از مطالعه اظهارات دانیلو دیگر جای تردید باقی نمیماند، که موسیقی امروز نیم قاره، یک ترکیب از تحولات تاریخی این منطقه است؛ نه مربوط به یک مذهب یا کتله بخصوص؛ زیرا چنانچه در عمق مطالعه شود این واضح میگردد، که نشان موسیقی مقامی در آن تا ته‌داب وجود دارد ، که همین نشانه را در موسیقی دیگر کشورهاییکه مذهب هندو دارند؛ چون نیپال، سریلانکا بوتان و کامبوج بچشم نمیخورد.

یکی از تفاوت های عمده که بین موسیقی افسانوی هند و موسیقی امروز وجود دارد، این است که، موسیقی افسانوی به چهار دیو یا رب النوع مذهب هندو تعلق داشت، که تمام ترکیبات موسیقی عبارتست از شاخ و برگ و ادامه خانوادگی همین چهار دیو است . در موسیقی موجوده که متأثر از دید موسیقی مقامی است، ازین ارباب الانواع و مشتقات شان دیگر خبری نیست؛ بلکه مرجع و منبع موسیقی را ده تهات میدانند، این ده تهات در شکل موجوده جنبه موسیقایی اش بشدت محدود و ناپیدا است؛ اما در اصل این تقسیمبندی بوسیله شخصی بنام محمد رضا خان پتنه در سال ۱۸۱۳م، در کتابش بنام نغمات آصفیه صورت گرفت، که وی خواست با اقتباس از دوازده مقام دوازده تهات را بوجود آورد. بدبختانه پیشنهاد او وقتی رسید که زوال موسیقی هند آغاز شده بود؛ تا اینکه در شروع قرن بیستم وقتی که آرمونیم از سوی انگلیسیها بحیث معیار موسیقی در شمال هند تثبیت گردید؛ یک هندوئی بنان بهات کندی، مامور شد تا موسیقی هند جدید را در محور همین باجه خانه سر و سامان بدهد؛ این شخص که پیشه اصلی اش وکالت دعوا بود؛ دسته بندی های پتنه را گرفته، گوش ، بینی و حتی دست و پایشانرا بریده و همین ده تهات معیوب موجوده را سرهم بندی کرد؛ و همه را اختراع و اثر خود قلمداد کرد (۴) من درمورد تهاتها، در جلد دوم این رساله تشریحات ارائه خواهم کرد . سوالیکه همیشه از استادان و بزرگان مطرح میکردیم ؛ این بود که این تهات ها از کجا آمده اند و چگونه ترکیب شده اند ؟

متأسفانه جوابها همیشه تقریبی و نامکمل بود؛ زیرا از اواسط قرن نوزدهم به بعد، توانائی مسلمانهای هند

در برخورد با نیرو های استعماری در هم شکسته شد، رشته عقی و محاسبه شده موسیقی، آهسته، آهسته بدست فراموشی سپرده میشود. نیرو های استعماری هیچ توجه به فرهنگ و داشته های تاریخی ملل زیر سلطه خود ندارند، و دستیاران داخلی شان هم باین فرهنگ دشمنی حقارتی و مذهبی داشتند.

آنگاهنیکه ما به ارزیابی مجدد نظرات دانشمندان بزرگ اسلامی در مورد موسیقی پرداختیم؛ این موضوع هویدا گردید، که این مصدر ها یا تهات ها در موسیقی نیم قاره چیزی دیگری نیستند، بجز از اتصال تقسیم های ربع و خمس؛ چنانیکه بوسیله دانشمندان اسلامی شرح شده اند؛ درحالیکه چنین تشریحات و مناسبات عددی اصلاً در موسیقی معابد و دیوتا ها قطعاً وجود هم ندارد؛ اما تهات ها، که خود شکل تحریف شده از موسیقی بابری های هند است؛ چیزی دیگری نیستند بجز از یکی از طبقات مقامها، آوازا و یا شعبات موسیقی مکتبی ابن سینا و فارابی؛ لهذا متفکرینی که به هند رسیدند، این کلبد های خالی هندو را گرفته، در آنها این ارقام و نسبت ها را تدخیل کردند، که متأسفانه ده تهات شکل مسخ شده همین شناسائی و دانش است؛ باین شرح .

۱ - کهماچ تهات : این در حقیقت طبقه دوم عشاق است، که از تقسیم اول ربع و اول خمس بوجود آمده است . پس کهماچ تهات عبارتست از طبقه دوم حلقه اول .

۲- آساوری تهات: این در حقیقت طبقه دوم مقام نواست، که از تقسیم دوم ربع و دوم خمس بوجود آمده است . پس این طبقه دوم حلقه چهاردهم است .

۳ - بیرو تهات : این در حقیقت طبقه دوم شعبه نو بهار است، که از تقسیم سوم ربع و اول خمس بوجود آمده است ؛ پس این طبقه دوم حلقه بیست و پنجم است .

۴ - بیروی تهات : این در حقیقت طبقه دوم شعبه وصال است، که از تقسیم دوم ربع و سوم خمس بوجود آمده است ؛ پس این طبقه دوم حلقه بیست و ششم است .

۵ - کافی تهات : این در حقیقت طبقه دوم شعبه معشوق است، که از تقسیم دوم ربع و اول خمس بوجود آمده است؛ پس این طبقه دوم حلقه سیزدهم است .

۶ - بلاول تهات : این در حقیقت طبقه چهاردهم ابوسلیک است ، که از تقسیم سوم ربع و سوم خمس بوجود آمده است؛ پس این طبقه چهاردهم حلقه بیست و هفتم است .

۷ - ایمن تهات : این در حقیقت طبقه هفدهم مقام عشاق است، که از تقسیم اول ربع و اول خمس بوجود آمده است ؛ پس این طبقه هفدهم حلقه اول است .

۸ - پوربی تهات : این در حقیقت از تقسیم دوم ربع با تقسیم سیزدهم خمس بوجود آمده است . به نسبت اینکه در آن چهار بار پرده پشت سرهم تکرار میشود در نا هم آهنگی تام قرار دارد، لهذا بزرگان اینرا

متروک میدانستند.

۹ - ماروا تهات : ماروا در حقیقت یک ترکیب است، که شش بعد و هفت نغمه تشکیل شده است؛ همچنانیکه تودی که تهات دهم است، همین خصوصیت را دارد. طوریکه از تشریح رابطه های عددی این دو ظاهر میگردد، با مداخله پرده های معتدله در موسیقی نیم قاره، این دو تهات که در ترکیب شان نسبتهای بزرگتر و یا کوچکتر از نیم پرده دخیل بوده، کاملاً از بین رفته اند. لهذا این دو "شد" نیستند، بلکه "ترکیب" هستند که اینموضوع بالای جدول عددی که تهیه شده است وضاحت پیدا میکند.

1	کهاچ تهات	سا	را	ری	گا	گی	می	با	دا	دی	نا	نی	سا
		8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9
2	آساوری	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9
3	بیرو تهات	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9
4	بیروی تهات	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9
5	کافی تهات	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9
6	بلاول تهات	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25
7	ایمن تهات	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25
8	پوری تهات	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	8/9	24/25	8/9	8/9
9	ماروا تهات	24/25	27/32	8/9	8/9	27/32	8/9	8/9	27/32	27/32	8/9	8/9	24/25
10	تودی تهات	24/25	8/9	8/9	8/9	27/32	24/25	24/25	24/25	27/32	27/32	24/25	24/25

بعد از ارزیابی رابطه های عددی تهات ها، چنانچه همه را با پرده های طبیعی موسیقی نشان بدیم . هشت تهات اولی درین جدول؛ (زیرا در ردیف بندی تهات ها نظم و مرتبه بخصوصی وجود ندارند). لهذا اتصال هشت تهات یعنی از اول الی هشتم، انعکاس زیر درجه اول نصف هندسی آن نیز هست، یعنی از هفت بعد و هشت نغمه تشکیل شده اند، که این وضعیت در ماروا و تودی قابل تطبیق نمیشود؛ لذا این دو تنها ترکیب هستند.

در مورد قدامت و تاریخ تقریبی که موسیقی نیمقاره را بشکل کنونی در آورده است، اصولاً موضوع تهاتها مطرح نبوده است، برای تائید این گفته نقل قولی از حضرت امیر خسرو را بشهادت میطلبم،»

امیر خسرو در اعجاز خسروی چنین میگوید. « پیش علم ما که محیر اهل طرب است کرا حد آن باشد که بحدت طبع دو عرصه را از یکدیگر جدا تواند کرد یا بتار ابریشم دو پرده را باهم تواند دوخت. ما توانیم کز ابریشم باریک چو موی — ذیل دو پرده بیگانه بهم بر دوزیم و صحت و علت مزامیر نیکو دانیم که چون چنگ از سفیدی اندام سر افکنده ماند و نای که شکمش از نفخ آواز دهد و مسکک که از دمش در نالیدن آید و نوالک که تنگی نفس گلو گیرش کند و کوفتگی دف که از حرارت مدقوق گردد. اصلاح هریک به چه طریق باید کرد و گرفتن نبض تار رباب و زدن رگ تار بربط چنان بر قانون حکمت دریافته ایم که بیمار را طبیب شفا توانیم شد . »

امیر خسرو در مورد سواد و دانش خودش صحبت میکند، زیرا بعد از وی هر کسیکه در موسیقی هندوستانی تثبیت نمود؛ صرف از امیر خسرو اطاعت و پیروی کرده است. لهذا این امیر خسرو است چه بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم موازین موسیقی نیم قاره هند را پایه گذاشته است؛ در حالیکه امیر خسرو بجز از موسیقی مقامی بهیچ موسیقی دیگری؛ نه شناسایی دارد و نه اشاره کرده است .

یادداشتها

- ۱ - این وضعیت را میتوان در آثار نگهداری شده در موزیم ملی انگلیس مشاهده کرد .
- ۲ - کتاب لهجات بطور دقیق در جلد دوم کتاب حاضر ارزیابی می شود
- ۳ - موسیقی هند شمالی الن دانیلو نشر هرموز پاریس ص ۱۵۹ سال ۱۹۹۵
- ۴ - «موسیقی ما» سید قیصر قلندری چاپ سرینگر کشمیر ص ۵۹

به این ترتیب اولین بحث این رساله که در مورد اصول و مبانی نغمه موسیقی بود پایان رسید.

ادامه دارد